**آسیب شناسی رویکرد سنتی تربیت هنری در آموزش هنر**

**محمد امین دباغیان**

دبیرهنر متوسطه دوم و هنر آموز هنرستان .رودهن.تهران-[Amin.dabbaghian@yahoo.com](mailto:Amin.dabbaghian@yahoo.com)

**سیده نرگس حسینی**

فارغ التحصیل کارشناسی ارشد معماری داخلی، دانشگاه آزاد پردیس - narges\_hb17@yahoo.com

**چکیده**

**هنر و تربیت هریک، در عین حال که از مقوله های مفهوم و ساده هستند،از سویی از مسایل پیچیده و غامضی هستند که از گذشته های دور تا اکنون ذهن بشر را به خود مشغول داشته است. هنر و تربیت هر دو وسیله ایی برای ارتقای حیات اجتماعی آدمی به شمار میروند که وقتی در قالب تربیت هنری ، در کنار یکدیگر قرار میگیرند، از اهمیت و کارکردی به مراتب قوی تر و اثر گذارتر برخوردار میشوند.رویکرد های متفاوت و متنوعی در تربیت هنری جاری و ساری است که میکوشد هر رویکرد ، بر قابلیت های تربیت هنری بیافزاید. در این میان رویکرد سنتی که در تربیت هنری نظام آموزشی همیشه همراه این مقوله بوده و خود را در قالب آموزش هنر در برنامه های درسی نشان می دهد ، از رویکرد های چالش برانگیز در این عرصه به شمار میرود.این پژوهش با هدف آسیب شناسی رویکرد سنتی تربیت هنر در آموزش هنر** در قالب مطالعه از نوع کیفی و تحلیلی شکل گرفت.طبق یافته های پژوهش ، رویکرد سنتی تربیت هنری در آموزش هنر ، اگرچه در ابتدا به دلیل ایجاد فرصت هایی برای فعالیت های هنری در فضای آموزشی و میان برنامه های درسی فراهم میکند ؛ اما هنر رابه عنوان یک موضوع مهم و اولیت دار در نظام آموزشی کشور که میتواند برای پرورش مهارت های فردی کودکان و ایجاد روحیه زیست نقادانه و حلال مسایل در آنان باشد معرفی نمی کند.امید است با دوری از این رویکرد ، هنر را به جایگاه واقعی ان در راستای تربیت نسل آینده این مرزو بوم رساند.

**واژگان کلیدی:** هنر، رویکرد سنتی ، تربیت، تربیت هنری ، برنامه درسی

**مقدمه**

هنر مقوله‌ای است پیچیده و در عین حال ملموس و شناخته شده که از دیرباز یعنی از آن هنگام که انسان خود و محیطش را شناخت به عنوان رکنی از ارکان زندگی مطرح بوده است. هنر همواره به یاری انسان شتافته است چه آن زمان که انسان اولیه بعد از دیوار غارها برای خود راهی یا فت تا از طریق آن به مقابله با ضعف ها و نا آگاهی های خویش بپردازد و یا بر ترس غلبه کند و چه اکنون که انسان در دنیای از اضطراب و نگرانی ها دست و پا می‌زنند. (غفاری ،۱۳۶۴)

کانت هنر را ملازم با آزادی می داند و معتقد است که عنوان هنر را باید به چه چیزهایی اعطا کرد که به آزادی به وجود آمده اند یعنی مخلوق اراده هستند که برهان و منطق هادی آن است. به بیان لانکاستر (1990) هنر قسمتی از نیروی خلاقیت انسان است که وی از طریق آن با دیگران ارتباط برقرار می سازد. ( به نقل از قطبی ،۱۳۵۲)

هنر در برگیرنده آن بخش از بداعت و خلاقیت انسان است که طی آن فرد با استفاده از مواد و وسایل هنری و دستی، عواطف ،اندیشه‌ها و احساسات خود را که نشئت گرفته از تفسیر بصری تجارب محیطی است؛ به دیگران منتقل می کند. البته موفقیت در این کار به میزان تبحر و هنرمندی فرد برای برقراری این انتقال و ارتباط بستگی دارد. (امینی ،۱۳۸۴)

**بیان مسئله**

هنر با همه گستردگی در تمامی جنبه‌هایش بیانگر وجود قابلیت و زمینه ای در آدمی است که رشد و بروز آن مستلزم فعالیتی منظم و هدفمند یا به عبارتی جریان است که آن را تربیت هنری می‌نامیم. (هاوس من ۲۰۰۰ )تربیت هنری را ناظر بر آموزش حواس مختلف ،رشد تجارب حسی و لمسی ،حساسیت و برخورد عمیق با جلوه های بصری و هنری و نقاشی هنرمندانه می‌داند. در واقع از نظر وی تربیت هنری شامل آموزش اساسی حواس و رشد و آگاهی متعالی از تجارب بصری ،آفرینش و فهم اشکال نمادین بصری و نیز رویکرد آگاهانه نسبت به تصورات بصری در نقاشی ،مجسمه‌سازی ،هنرهای تزئینی و آموزش در زمینه کاربرد و اعمال قضاوت نقادانه تجارب بصری می باشد .اما به اعتقاد (برودی، ۲۰۰۱) هنرها دستیابی انسان را به دانش و بصیرت، ارزش ها و معانی برای مثال درون بینی، تعالی روحی و احساس ذوقی که در هر یک از حوزه های محتوایی دیگر برنامه درسی وجود ندارد فراهم می‌آورد. **در این میان رویکرد سنتی که در تربیت هنری نظام آموزشی همیشه همراه این مقوله بوده و خود را در قالب آموزش هنر در برنامه های درسی نشان می دهد ، از رویکرد های چالش برانگیز در این عرصه به شمار میرود.**

**اهمیت و ضرورت پژوهش**

مبانی نظری موجود بر این نکته تاکید دارند که: تربیت هنری در رشد شناختی و مهارتهای فردی همچنین تفکر انتقادی و حل مسئله( امینی ۱۳۸۳ ،ایردام ۲۰۰۳ ،ندرو ۲۰۰۴ به نقل از تمنایی فرامینی و یزدانی کاشانی ۱۳۸۹ )تاثیری برجسته بر جای می گذارد.مطالب ذکر شده ایجاد می کند که تربیت هنری با دو قابلیت کلی رمزگذاری و رمزگشایی به منزله روح حاکم بر کلیه مواد درسی مورد توجه قرار گرفته و وزن دایره تنگ آموزش هنر خارج و به یک فرا برنامه درسی تبدیل گردد.( رضایی، ۱۳۹۲)

هرچند ضرورت تربیت هنری مانند آموزش بهداشت و سلامتی بدیهی تلقی می‌شود و دیگر چون و چرا ومحل بحثی در این باب وجود ندارد (مهرمحمدی ،۱۳۸۳ )همچنان متقاعد کردن برنامه‌ریزان در مورد ضرورت این حوزه نظام آموزشی دشوار به نظر می رسد؛ زیرا پژوهشها هنوز نشان‌دهنده جایگاه نازل تربیت هنری در نظام آموزشی است( نقل از تمنایی فر امینی و یزدانی کاشانی، ۱۳۸۹)

**اهداف پژوهش**

**آسیب شناسی رویکرد سنتی تربیت هنر در آموزش هنر به عنوان هدف غایی و نهایی این پژوهش قرار گرفته است.برای نیل به این هدف و به منظور هموار ساختن این مسیر هدف های فرعی نیز برای پژوهش تعریف شد.**

اهداف فرعی پژوهش عبارتند ز :

-تعریف تربیت و تربیت هنری

-بررسی جایگاه تربیت در نظام تعلیم وتربیت رسمی

-تعریف رویکرد سنتی تربیت هنری در آموزش هنر

**روش پژوهش**

این پژوهش در قالب مطالعه از نوع کیفی و تحلیلی انجام شده است منابع که در این بررسی به آنها مراجعه شده عبارتند از : پایان نامه های کارشناسی ارشد و دکترا، کتابها و مقالات حوزه علوم تربیتی و روانشناسی هنری و دینی و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. در ابتدا اکثر منابع مرتبط شناسایی گردید پس از بررسی اجمالی کلیه منابع شناسایی شده و دست آمده منابع قابل استفاده به لحاظ محتوایی و روانشناختی مورد مطالعه قرار گرفته و نتایج از آن استخراج گردید.

**تریبت و تعاریف آن**

فرایند تربیت از واقعیت های پیچیده، گسترده و بسیار تاثیرگذاری است که از دیر باز در همه جوامع بشری و از منظرهای گوناگون موضوع تدبر، اندیشه ورزی و مورد مطالعه بوده است. مفهوم تربیت و ارائه تعریفی از آن بیانگر ارزش های نمادین هر نظام آموزشی است و این به معنای محدود کردن تربیت در چارچوبی است که ارزش ها قالب آن را تعیین می کنند که این ارزش ها و به تبع آن این قالب ها از نظامی به نظام دیگر متفاوت است. از اینروست که تربیت دارای تعریف واحد و یکسانی نیست که همگان در مورد آن

اتفاق نظر داشته باشند.فرایند تربیت در واقع تلاش اجتماعی برای تسهیل و جهت دهی به تکاپوی هستی است که از طریق آن حیات انسانی تداوم و تکامل پیدا می نماید. لذا توجه به چگونگی هستی انسانی، ضرورت تربیت را آشکار می سازد. پس تربیت، محور اساسی ارتقای حیات آدمی است و در نتیجه مصالح تربیتی بایستی در تمام تصمیم گیری ها و برنامه ریزی های اجتماعی مورد تاکید قرار گیرد وکمک به فرایند تربیت، مهم ترین معیار در سیاست گذاریها و تعیین اولویت های اجتماعی محسوب گردد )آقایی، (1391

از میان تربیت ها، نوع اسلامی آن بر ملاحظه طبیعت همچون آیه خداوند تاکید دارد. در اسلام نظاره جهان طبیعت به منظور کشف معناهای باطنی آن توصیه می شود. طبیعت به منزله یک متن آموزشی تلقی می شود که در کنار کتاب تشریع، ما را به حقایق پنهانی رهنمون می سازد. انتقال بخشی از اطلاعات علمی در زمینه کمیت و کیفیت پدیده های طبیعی و روابط میان آنها ممکن است مهم و ضروری باشد ولی کافی نیست. آنچه ضروری است فهمیدن معنای پدیده ها و هدف رویدادهای طبیعت به منظور درك کلی از جهان هستی و جایگاه خویش در آن است )علم الهدی، 1386 )

**جایگاه تربیت در نظام تعلیم و تربیت رسمی**

با وجود آن که بسیاری از متخصصان تعلیم و تربیت بر این باورند که هدف اساسی تعلیم و تربیت باید تربیت انسان متفکر و فرهیخته باشد. نتایج تحقیقات نشان می دهد: اکثر فارغ التحصیلان فاقد مهارت های تفکر سطح بالا هستند. )شعبانی سیچانی، 1387؛ ص 54 ، به نقل از علیق، 1390) بخصوص در نظام آموزشی ما که اصالت را به انتقال اطلاعات می دهند، مشکلات عدیده ای دیده می شود. امروزه اغلب کارفرمایان از کیفیت نظام آموزشی گله مندند و اظهار می دارند جوانان پس از فارغ التحصیل شدن از مؤسسه و دانشگاه، واجد مهارت های لازم برای انجام کارها نیستند. )محب علی ، 1372 ؛ ص 1؛ به نقل از علیق، 1390)با وجود توصیه های اندیشمندان حوزه تعلیم و تربیت بر پرورش تفکر یادگیرندگان، به نظر می رسد نظام آموزش رسمی که بخش عظیمی از رسالت تربیتی جامعه را عهده دار است، در ترغیب یادگیرندگان به تعقل و توسعه توانایی های فکری آنان و همچنین در پرورش یادگیرندگان به گونه ای که در عرصه های مختلف حیات خویش، انسان هایی کنجکاو، دارای روحیه جستجو و ارزشیابی دلایل و با حداقل لغزش های فکری باشند و در نهایت راه سعادت و سلامت را با ضریب اطمینان بالاتری طی نمایند؛ ناکارآمد بوده است )یزدان پناه نوذری،1385)از سوی دیگر ما در دوران خاصی قرار گرفته و یا در حال قرار گرفتن هستیم که در آن، ویژگی های جدیدی نسبت به گذشته در حال ظهور است. پویایی هر نظام تربیتی، در این است که اصول، روش ها و کارکردهای خود را از حالت ایستا خارج کند و بتواند خواسته هایش را با دگرگونی شرایط محیطی تطبیق داده و زنده نگه دارد. اگر یک نظام تربیتی بدون توجه به دگرگونی شرایط محیطی بخواهد از اصول و شیوه های معینی، به صورت ثابت برای همه زمان ها و مکان ها استفاده کند، لاجرم محکوم به فناست. بنابراین نظام تعلیم و تربیت ما که خصیصه اسلامی بودن دارد، چراکه فرهنگ کشور ما فرهنگ دینی و اسلامی است و تربیت ما به یک معنا دینی خواهد بود؛ آیا این تربیت دینی با قرار گرفتن در فضای جدید و تحول شرایط نسبت به گذشته، بقاء خواهد داشت یا خیر؟(ملکی،1385) از این گذشته، چالش هایی از قبیل بی انگیزگی فراگیران نسبت به درس و مدرسه، بی علاقگی آنان به یادگیری محتوای درسی، ابراز خوشحالی از تعطیلی نابهنگام و طبق تقویم آموزشی مدارس، نارضایتی از در معرض امتحان و آزمون قرار گرفتن، فراموشی زود هنگام مطالب آموخته شده توسط فراگیران، توفیق اندك نظام آموزشی در تربیت شهروندی و تربیت دینی و ... نشان می دهد نظام آموزشی ما روز به روز کارآیی خود را بیشتر از دست می دهد. .( طهماسب زاده و همکاران،1394 )

**تربیت هنری**

(رویکرد تربیتی باید به صورت رویکرد تربیت هنری باشد) یعنی انجام دادن فعالیت های هنری در فضایی که کودکان آزادانه تخیل و اندیشه کننده حواسشان تقویت ظرفیت های نهفته هوش و تفکرشان پرورش یابد عواطف و احساسات شان توسعه یابد و استعداد و خلاقیت ها شکوفا گردد و به این ترتیب به تربیت هنری آنان منجر شود. به جرأت می توان گفت که همه کودکان فعالیت‌های هنری را دوست دارند.در این گونه فعالیت ها و هنگام انجام دادن کارهای عملی طراحی و ساختن شکست و پیروزی را تجربه می‌کنند. به این ترتیب زمینه‌ای برای بروز خلاقیت و احساسات آنها را فراهم می شود. (نواب صفوی ،۱۳۸۷).

**رویکرد سنتی در آموزش هنر**

رویکرد سنتی به آموزش هنر به رویکردی اطلاق می‌شود که هنر را صرفاً به عنوان حوزه‌ای که اختصاص به ابزار خلاقانه خود دارد معرفی می کند .هنر در چارچوب این اندیشه، محملی است برای آزادسازی ظرفیت‌های خلاق و آفرینش گرایانه فرد را در سطوح برتر و پیشرفته تر،تا بتوانند به احساس و ادراک تصور و اندیشه‌های خود فرم یا صورتی خارجی بدهد و به دیگران منتقل بکنند.به دیگر سخن ، هنر فرآیندی آزاد و بدون مداخله است و هر نقشه و تدبیری که ماهیت این فرایند را نادیده بگیرد، قابل قبول نیست و محکوم است . .(مهرمحمدی، ۱۳۸۳)

**آسیب شناسی رویکرد سنتی در آموزش هنر**

رویکرد سنتی در تربیت هنری که آزادی مطلق دانش‌آموزان را از لوازم قطعه آن می‌داند مورد انتقاد بسیاری از صاحب نظران این حوزه است.به اعتقاد این صاحب نظران که جریان به حاشیه رانده شدن هنر در برنامه های درسی مدارس را مورد توجه و تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند و دستیابی به علل و عوامل موثر در این وضعیت را وجهه همت خود ساختند، برداشت سنتی از ماهیت هنر و دلالت های آن برای برنامه درسی و آموزش یکی از عوامل اصلی در نیل به چگونگی سرنوشتی به حساب می آید.چرا که چنین برداشتی به رغم آن که ممکن است باید اول به دلیل حمایت از پیش بینی فرصت‌هایی که اختصاص به فعالیت‌های هنری دارد به ذهن خطور کند، هنر به عنوان یک موضوع درسی حایزاهمیت و اولویت دار که نظام های آموزشی باید برای پرورش قابلیت های مربوط به آن سرمایه‌گذاری کنند معرفی نمی‌شوند .(مهرمحمدی، ۱۳۸۳)به عبارت دیگر اگر تحقق پاره قابلیت ها مثل قابلیت های زیبا شناختی و هنری در چهارچوب تفکر یا رویکرد سنتی نیاز به مواجهه سازمان یافته وتدبیر شده از سوی نظام آموزشی نداشته باشد؛ کم رنگ شدن حساسیت نظام آموزشی در تغییر آن قابلیت ها و در نتیجه لرزان شدن پایه‌های دوام و بقای ماده درسی متناظر با آن در رقابت با سایر موضوعات درسی پیامدی قهری و اجتناب ناپذیرخواهد بود.( آیزنر، ۱۹۸۶)

**نتیجه گیری**

**هنر و تربیت هریک، در عین حال که از مقوله های مفهوم و ساده هستند،از سویی از مسایل پیچیده و غامضی هستند که از گذشته های دور تا اکنون ذهن بشر را به خود مشغول داشته است. هنر و تربیت هر دو وسیله ایی برای ارتقای حیات اجتماعی آدمی به شمار میروند که وقتی در قالب تربیت هنری ، در کنار یکدیگر قرار میگیرند، از اهمیت و کارکردی به مراتب قوی تر و اثر گذارتر برخوردار میشوند.رویکرد های متفاوت و متنوعی در تربیت هنری جاری و ساری است که میکوشد هر رویکرد ، بر قابلیت های تربیت هنری بیافزاید. در این میان رویکرد سنتی که در تربیت هنری نظام آموزشی همیشه همراه این مقوله بوده و خود را در قالب آموزش هنر در برنامه های درسی نشان می دهد ، از رویکرد های چالش برانگیز در این عرصه به شمار میرود.این** رویکرد سنتی تربیت هنری در آموزش هنر ، اگرچه در ابتدا به دلیل ایجاد فرصت هایی برای فعالیت های هنری در فضای آموزشی و میان برنامه های درسی فراهم میکند ؛ اما هنر رابه عنوان یک موضوع مهم و اولیت دار در نظام آموزشی کشور که میتواند برای پرورش مهارت های فردی کودکان و ایجاد روحیه زیست نقادانه و حلال مسایل در آنان باشد معرفی نمی کند.امید است با دوری از این رویکرد ، هنر را به جایگاه واقعی ان در راستای تربیت نسل آینده این مرزو بوم رساند.

**منبع**

1. اسناد تحولی اعم از مبانی نظری سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش شامل سه سند )سند فلسفه تربیت، سند فلسفه تربیت رسمی و عمومی و سند رهنامه(، سند برنامه درسی ملی، برنامه درسی دوره ابتدایی، اسناد پشتیبان نقشه جامع علمی کشور، مطالعات نظری طرح تدوین سند ملی آموزش و پرورش (علم الهدی، جمیله 1386)فلسفه تعلیم و تربیت رسمی از دیدگاه اسلام، فلسفه تربیت؛ و گزارش تلفیق نتایج مطالعات نظری طرح تدوین سند ملی آموزش و پرورش.
2. آقایی، سیده الهام (1392)شناسایی مؤلفه های تربیت زیبایی شناختی در برنامه های درسی بر مبنای آموزه های اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق )پردیس خواهران(، تهران.
3. امینی، محمد( 1395). تربیت هنری در قلمرو آموزش و پرورش، چاپ اول، انتشارات آییژ
4. تمنایی فر، محمد رضا.امینی ، محمد و یزدانی کاشانی ، زینب (1389).تاملی در کارکرد های تربیت هنری در نظام آموزشی.رشد آموزش هنر.2.
5. رضایی، منیژه.(1392).تربیت هنری در نظام آموزشی ایران. مطالعات فرهنگ، ارتباط.14(22)
6. علیق، محمدحس(1390)تبیین دیدگاه های زیبایی شناختی ابوحیان توحیدی در تعلیم و تربیت و نقد آرای زیباشناختی الیوت آیزنر براساس آن، رساله دکتری دانشگاه تربیت مدرس.
7. غفاري، افسانه. (1364). آموزش هنر ونقش آن در رشد خلاقيت دانش آموزا ن پايان نامه كارشناسي ارشد.دانشگاه شيراز، دانشكده علوم تربيتي و روانشناسي.
8. قطبي، محمد يوسف.(1352). پژوهش در تعريف هن.ر تهران: انتشارات زوار.
9. کشاورز، محمد علی .سلطانی کیا، حسین.(1384).آموزش نقاشی و کاردستی.تهران:شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران.
10. مایر،فردریک.(1374).تاریخ اندیشه های تربیتی .ترجمه علی اصغرفیاض.تهران .سمت.
11. ملکی ،حسن.(1385). دیگاه برنامه درسی فطری –معنوی(( مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی )).علوم انسانی بومی-دینی: کنگره ملی علوم انسانی.
12. مهر محمدی ، محمود. (1383).چیستی ، چرایی ، چگونگی آموزش عمومی هنر.تهران: انتشارات مدرسه.
13. میر محمدی ،محمود و همکاران (1387)برنامه درسی ،نظرگاه ها ،رویکرد ها و چشم انداز ها ویراست دوم. تهران : سمت.
14. نواب صفوي، مينا وهمكاران.(1387). راهنماي درس هن.ر تهران: اداره كل چاپ وتوزيع كتب درسي.
15. یزدان پناه نوذری، علی (1385).طراحی الگوی برنامه درسی برای پرورش منش های تفکر دانش آموزان پایان نامه دکتری، تهران؛دانشگاه تربیت مدرس.
16. Broudy, H. (1977). How Basic is Aesthetic Education?Educational Leadership, (2), 134-141
17. Eisner, Ellio) (1986).The Role of Discipline Based Art Education in Americans school. Los Angeles: GettyPublications.
18. Eisner, Elliot. (1994). Educational Imagination,on the Design and Evaluation of schoolprogram. MacmillanPublishing, CO, N,Y.
19. Eisner, Elliot. w. (1986).The Role of Discipline Based Art Education in Americans school. Los Angeles: Getty Publications.
20. Perkins, D.N. (1994). The Eye: Learning to think by looking at art. Los Angeles: Getty Center for Education the Arts.